

# فروپاشی رژیم پوشالی شاهشجاع چهارم، شکست مفتضحانه امپریالیزم اشغالگر امریکا،

و

## قدرت گیری دوباره طالبان!

سیروس - 22 سنبله 1400

با تسلط طالبان، و برافراشته شدن بیرق سفیدشان در گوشه گوشه ولایات و شهرهای افغانستان، دوران قرون وسطایی سیاه و استبدادی دیگری در حال رونمایی و شکل گیری است. طالبان، با هم کاری کشورهای منطقه چون امپریالیزم روسیه، سوسیال امپریالیزم چین، پاکستان، ایران، ترکیه، قطر و امپریالیزم لجام گسیخته امریکا از هم فروپاشید که نقش اساسی را در این فروپاشی امپریالیزم امریکا داشت. دولت دست نشانده و پوشالی غنی (شاهشجاع چهارم) بنابر خواست و منافع امپریالیزم اشغالگر امریکا بشکل غیرقابل باوری فروپاشید و جایش را به طالبان قرون وسطایی و ارتجاعی، خالی نمود. امپریالیزم امریکا براساس توافق نامه دوحه و بازی های پشت پرده با طالبان بعد از "توافقنامه صلح" حسب منافع خویش، دوباره طالبان را به قدرت رساند و کنترل کشور را بصورت کامل برای شان واگذار نمود.

ما، از اولین روز اشغال کشور، نقاب بدسرشت و چهره های اصلی اشغال گران و رژیم دست نشانده مزدور را بر همگان برملا ساختیم، و با صراحت بیان نمودیم که شعار " مبارزه علیه تروریسم " و " آزادی زنان از چنگال طالبان " یک شعار کذایی و پرده استتاری برای اشغال کشور می باشد. هر زمانی که منافع اشغال گران و در راس آن امپریالیزم اشغال گر امریکا تقاضا نماید، حاضر است از خیر تمام شعارهایش بگذرد. تاریخ ثابت ساخت که تحلیل و شناخت ما از امپریالیزم درست، علمی و منطقی بوده است.

امپریالیزم اشغال گر امریکا با متحدینش ، 20 سال قبل، با شعارهای کاذبانه و عوام فریب گونه چون "مبارزه علیه تروریسم"، "رهایی زنان از اسارت مملکتی طالبان"، "دموکراسی" و "باز سازی کشور"، بر افغانستان بی رحمانه هجوم آورد و این سرزمین را به خاک و خون یک سان کرد و مورد تجاوز خود قرار داد، و یک دولت دست نشانده، فرسوده و پوشالی را طبق میل خود به مردم ستم دیده افغانستان تحمیل نمود. درین جنگ تجاوزکارانه و غارت گرانه میلیون ها نفر کشته، آواره و مهاجر شدند و ابرهای معلق تاریک و خوفناک و خونین بر فراز آسمان ها همیشه در حال گردش بوده است.

پس از گذشت 20 سال، امپریالیست های اشغالگر یانکی تصمیم به خروج از افغانستان را گرفتند، و با افتضاح کامل از افغانستان بیرون شدند، اما بیرون کردن نیروهای اشغالگر از افغانستان تا اخیر آگست 2021م، نتیجه فشارهای منطقی از طرف امپریالیزم روسیه و سوسیال امپریالیزم چین است که طالبان را حمایت می نمودند، از جانب دیگر تباری کشورهای

پاکستان، ایران، قطر و ترکیه برای به قدرت رسیدن طالبان نیز نقش داشت و امپریالیزم امریکا را وادار نمود تا سرعت فروپاشی رژیم پوشالی و دست نشانده اش را حدت بیشتری بخشد و مناطق زیادی را به طالبان تسلیم نماید تا مطابق توافقنامه دوحه بتواند کماکان از لحاظ سیاسی- دیپلماتیک اوضاع کشور و منطقه را در کنترل خود داشته باشد.

طبق تحلیل و پیش‌گویی‌های ما که در جریان این سال‌ها داشته ایم، واضحاً دیده می‌شود، که میلیاردها دالر مصارف هنگفت امپریالیست‌های اشغال‌گر در بخش‌های ملکی و خصوصاً نظامی نتیجه تشکیل دولتی وابسته و کشوری مستعمراتی - نیمه فیودالی فقط برای اداره کردن افغانستان و کنترل منطقه بوده و هست.

بنابراین میتوان به جرئت گفت که در مدت 20 سال حضور نیروهای امپریالیزم اشغال‌گر امریکایی و هم‌پیمانان شان در افغانستان، تمامی ساختارها و زیربنای سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی را مطابق میل خود تغییر داده و به نابودی سوق دادند. نتیجه تغییر آن‌را در فروپاشی حاکمیت پوشالی شان به خوبی شاهد بودیم.

امپریالیست‌ها درین مدت، بیشتر از همه قشر روشن‌فکر و تحصیل کرده را مورد تهاجم فرهنگی و استعمارگرانه امپریالیستی/سرمایه‌دارانه‌شان قرار دادند، و نوکرمنشی و روحیه انقیاد طلبی را در بین شان تکامل بخشیدند و با توسعه نفاق ملی - قومی - مذهبی - زبانی - جنسیتی و خرافات و عنعنات غلط فرهنگی که هر روز رونق بیشتر بخود می‌گرفت، حکومت نمودند و فقر و بی‌خانمانی و دربدری و هزاران هزار ظلم و تعدی و بربریت را در کشور افزایش دادند. دلیل عمده خلق روحیه فرار از کشور بعد از تسلط طالبان مبین همین حقیقت است.

زمانی که امپریالیزم اشغال‌گر امریکا تاریخ زمان خروج کلی اش از افغانستان را اعلام نمود، تسلیم شدگان، تسلیم طلبان و هم‌قماشان اشغال‌گران و آن‌عه اشخاصی که در زیر چتر و تبلیغ 20 ساله اشغال‌گران امپریالیست قرار گرفته بودند، ترس و لرز آن‌ها را فراگرفت و ندای ماندن و تمدید دوام حضور اشغال‌گران را در کشور سر دادند، و نگرانی شان را در قبال مسدود شدن کمک‌های جهانی اعلان نمودند و برای دوام اشغال‌گری تبلیغ و ترویج کردند.

بعد از این که جو بایدن در سخنرانی خود، تاریخ 31 آگست 2021م را برای خروج کلی نیروهای نظامی و ملکی اش از افغانستان تعیین نمود، حدود 2 ماه بعد ازین بیانیه اش شدت جنگ ارتجاعی داخلی - استخباراتی در کشور افزون گشت و قبل از تمام شدن این تاریخ، ارتش پوشالی با تمام دم و دستگاهش فروپاشید و افغانستان کاملاً تحت تسلط طالبان درآمد، که باعث شد بخشی از ارتش پوشالی و خیزش کنندگان به اصطلاح مقاومت تسلیم شوند و عده ی دیگری در هم رکابی با غنی پا به فرار بگذارند.

طالبان بتاريخ 25 اسد 1400 محفل "استقلال" خود را از قشون اشغال‌گر امریکایی تجلیل نمودند، که بصورت زنده از تلویزیون ملی افغانستان نشر گردید. در حالی که بیش از 5هزار نیروی تازه نفس امریکایی و صدها نیروی بریتانیایی در میدان هوایی کابل، سرگرم بیرون کشیدن نیروهای خود و هم‌کاران افغانی خود از کشور، و نابود کردن تمامی اطلاعات، پایگاه‌ها، و تجهیزات و مهمات خود منجمله پایگاه سیا (CIA) و ریاست امنیت ملی افغانستان، بودند، اما طالبان ادعای استقلال و پایان اشغال را داشته و دارند. سیستم‌های استخباراتی و جاسوسی امپریالیزم اشغال‌گر امریکا طبق "توافق‌نامه صلح" با طالبان در کشور کماکان فعالانه به کار خود ادامه خواهند داد، و از طرف دیگر حریم هوایی کشور و تمامی رادارهای میدان‌های هوایی طبق "توافق‌نامه امنیتی" تا سال 2024 میلادی در کنترل شان قرار دارد، که این نشانه ادامه

اشغال و باقی ماندن حالت مستعمره - نیمه فیودالی کشور است. امپریالیزم امریکا، هر آن وقت لازم ببیند دوباره بر فراز آسمان افغانستان، طیاره‌های جنگی‌اش چرخیده و مواضعاتی را بدلائیل میان تهی و بی‌مفهوم بمباردمان خواهد نمود. قسمی که در 31 آگست 2021م اماکن مختلفی را زیر نام داعش مورد اصابت موشک قرار داد و یا جنایت بشری و کشتار بی‌رحمانه‌ی را که در میدان هوایی کابل براه انداخت.

ما همیشه گفته‌ایم که سردادن شعارهای حيله‌گرانه امپریالیزم امریکا و متحدینش روپوش و دروغی بخاطر غارت، چپاول، استثمار مردمان کشور و اداره و کنترل منطقه است. برای امپریالیست‌ها، منافع شان ارجحیت بر تمام مواضع دارد، فرقی نمی‌کند، چه کسی بر مسند قدرت تکیه زده است و یا قتل و غارت می‌کند، هر آن کس که طبق میل شان کار کند، از آن حمایت می‌کنند.

هرچند امپریالیزم اشغال‌گر امریکا در افغانستان و منطقه از لحاظ نظامی به بدترین شکل‌اش به شکست نظامی - اقتصادی روبرو گشته است، ولی از بُعد سیاسی برد کرده است، و میدان را تا کنون برای سوسیال امپریالیزم چین و امپریالیزم روسیه خالی نگذاشته است. امپریالیزم امریکا بخوبی می‌داند که دو غول امپریالیستی/ سرمایه داری - سوسیال امپریالیزم چین و امپریالیزم روسیه - در کمین فرصتی برای گرفتن قدرت از چنگال ددمنشی آن در منطقه هستند و در هم‌کاری مستقیم و غیرمستقیم طالبان قرار دارند؛ به همین دلیل دست پرورده‌های دیروزی خود را وارد ارگ نمود و دوباره آنان را بر کرسی‌های قدرت نشاند و همین علت بود که سوسیال امپریالیزم چین و امپریالیزم روسیه سفارت‌خانه‌هایشان را مسدود نکردند و نه تنها مسدود نساختند بلکه کمک‌های مالی به امارت اسلامی طالبان وعده و نوید داده اند.

سه شنبه شب (1400/6/18) در یک کنفرانس خبری، اسامی اعضای تیم بیشتر از کابینه موقت طالبان توسط ذبیح الله مجاهد - سخنگوی گروه تحجری طالبان - به معرفی گرفته شد. که بر اساس آن، ملا محمد حسن آخوند به عنوان سرپرست ریاست الوزرا (نخست وزیر)، ملا عبدالغنی برادر به‌عنوان معاون اول ریاست الوزرا و ملا عبدالسلام حنفی به عنوان معاون دوم نخست وزیر تعیین و منصوب شدند.

به اساس گزارش‌ها، بدلیل به توافق نرسیدن شبکه حقانی و ملابرادر، باعث شد که ملا محمد حسن آخوند سرپرست ریاست الوزرا تعیین گردد و معاونیت اول به ملابرادر برسد. قرار است در همین روزهای نزدیک، تألیف حکومت به اصطلاح «همه شمول افغانی» طالبان - با دعوت نمایندگان خارجی - صورت گیرد.

ایستادگی جبهه به اصطلاح مقاومت در ولایت پنجشیر و نتیجه ندادن گفتگوهای طالبان با سران جبهه "مقاومت" و شدت درگیری‌ها، باعث شده بود که سکتگی در زمان اعلان کابینه طالبان ایجاد گردد. ولایت پنجشیر نظر به نقطه استراتژیک خود و هم‌چنان بدلیل حمایت مالی و اکمالاتی که مستقیماً توسط هندوستان و تاجیکستان و غیرمستقیم توسط فرانسه، میشد، باعث شده بود که دوام بیاورد، ولی نتیجه ندادن گفتگوهای دوطرفه، بین جبهه مقاومت در ولایت پنجشیر و طالبان و درگرفتن جنگ میان شان، باعث شد که در مدت 6 روز جنگ و تلفات شدید، طالبان این ولایت را به تصرف کامل شان در بیاورند. طبق گزارشات بدست آمده، آنقدر تجهیزات و مهمات جنگی در ولایت پنجشیر بدست آمده که بیشتر از قول اردوهای پوشالی رژیم غنی بوده است.

امریکا ولایت پنجشیر را بعنوان آله فشاری در قبال طالبان نگهداشته بود، تا بیشتر بتواند خواسته‌های هژمونی خود را بر آن‌ها تحمیل نماید. طوری که همین اکنون، از طریق تظاهرات شهری، به رسمیت نشناختن این گروه در سطح بین‌المللی، دو برابر ساختن 5 میلیون دالری برای تسلیمی سراج الدین حقانی وزیر داخله کابینه طالبان، حذف نکردن اسامی اعضای بلندپایه طالبان از لیست سیاه، این فشارها را بر این گروه روی دست گرفته است.

## توده‌های ستم‌دیده و جوانان رنج‌دیده و ستم‌کش وطن!

ما در حال مشاهده سیاه‌ترین دوران تاریخ خود هستیم، و تاریخ شاهد است که از تاریخ 7 آگست 1837 میلادی تا کنون، 184 سال می‌شود به فجیع‌ترین شکل، کشور ما بصورت مستقیم و غیر مستقیم مورد تجاوز و اشغال بیگانگان قرار گرفته و در طی این مدت مزه استقلال و آزادی را نچشیده ایم و کشور ما گاه به شکل مستعمره - نیمه فیودال و گاه به حالت نیمه مستعمره - نیمه فئودالی ادامه داده است. 80 سال امپریالیزم پیر انگلیس، 10 سال سوسیال امپریالیزم شوروی، و دو دهه می‌شود که امپریالیزم اشغال‌گر امریکا این کشور را به چنگال استعمار خود محکم گرفته اند، و هزاران هزار جنایت جنگی - بشری و اجتماعی را به فجیع‌ترین شکل انجام داده و می‌دهند. ولی این سرزمین در راه آزادی و استقلال و استرداد، جانفشانی‌ها و فداکاری‌های متعالی را داده است، اما نتیجه این فداکاری‌ها و جان‌فشانی‌های توده‌های ستم‌دیده کشور به علت فقدان رهبری انقلابی، از طرف نیروهای ارتجاعی دزدیده اند. اکنون تاریخ و شرایط دردناک و المناک فعلی نیز از ما می‌طلبد تا در راه مقاومت همه جانبه ملی مردمی و انقلابی تحت رهبری پیش‌آهنگ طبقه کارگر، گام‌های موثر و جدی برداریم.

«جوانان، اعم از دختران و پسران و زنان و مردان، دارندگان فعال‌ترین نیروی کار فیزیکی و دماغی بالقوه و بالفعل در جامعه هستند و پیش‌روترین نیروی مبارزاتی اجتماعی بالقوه و بالفعل محسوب می‌گردند. اکثریت جوانان کشور، به خصوص جوانان مربوط به اقشار و طبقات زحمت‌کش کشور، در حال حاضر نه تنها در مواجهه با فقر و بی‌کاری عمیق و گسترده، بلای اعتیاد به مواد مخدر، محرومیت از تحصیل، بی‌خانمانی، آوارگی و غیره و صدمات ناشی از آن‌ها قرار دارند، بلکه به مثابه گوشت‌دم‌توپ در جنگ‌های اشغال‌گرانه و ارتجاعی اشغال‌گران امپریالیست، رژیم پوشالی و اشغال‌گران مرتجع داعشی وسیعاً مورد سوء استفاده قرار می‌گیرند، قربانی می‌دهند و معلول می‌شوند.

نیروها و عناصر دموکراتیک نوین کشور وظیفه دارند که روشن‌گری سیاسی در میان نسل جوان کشور، به ویژه جوانان مربوط به طبقات و اقشار زحمت‌کش جامعه، اعم از تحصیل‌کرده‌ها، غیرتحصیل‌کرده‌ها و در حال تحصیل، و سازمان‌دهی و بسیج مبارزاتی آن‌ها را نیرومندان روی دست بگیرند و به پیش‌هدایت نمایند.» (طرح پیشنهادی برای ایجاد هم‌آهنگی و اتحاد میان منسوبین جریان دموکراتیک نوین افغانستان)

## آری!

اوضاع کنونی افغانستان از ما می‌طلبد که تمامی منسوبین جریان دموکراتیک نوین افغانستان و نیروهای ملی دمکرات و انقلابی کشور درین برهه حساس و اختناق‌انگیز، گردهم جمع شوند و در مقاومت گسترده و همه جانبه ملی مردمی انقلابی با هم‌دیگر دست اتحاد دهند و یک‌صدا به پیش‌روند؛ تا ریشه‌های کاخ امپریالیست‌های اشغال‌گر و خاینین دست‌نشانده

و "ملاشاهیان امارت اسلامی طالبان" که «یک اسم بی‌مسمای دموکراسی اسلامی نیز نیست، بلکه آشکارا یک نظام متحجر و استبدادی است» را از ریشه ویران کنند.

بدون برپایی و پیش‌برد یک مقاومت همه‌جانبه ملی مردمی و انقلابی تحت رهبری پیش‌آهنگ طبقه کارگر علیه رژیم "ملا شاهی امارت اسلامی طالبان" و حامیان بین‌المللی شان و اشغال‌گران مرتجع داعشی و تمامی خائنین وابسته‌شان و به پیروزی رساندن انقلاب دموکراتیک نوین نمی‌توان بر تمام این مصیبت‌های فایق آمد و جامعه‌عاری از ظلم و ستم را بپا نمود.

آری ای هم‌وطنم، پاره‌تنم!  
باید من و تو ما شویم  
با قوت و هم‌دلی به پیش رویم  
و متحد و هم‌صدا حرکت نماییم  
تا لشکر استواری را بسازیم  
و بنیادِ کاخِ ظلمت را ویران و به خاک و خون یک‌سان کنیم  
و با عزم و اراده‌ قوی و پولادین  
این گرگ‌های تشنه به خونِ مان را، غرقِ خون کنیم  
و در راه برپایی و پیش‌برد مقاومت همه‌جانبه ملی - مردمی و انقلابی، هم‌نوا گردیم  
آنگاه می‌توان بنام نمود  
بنای آزادی و آبادی را  
و دنیا نوین دموکراسی را